

Original Article

Jurisprudential Verdict on Deprivation of Life from the Embryos in Vitro

Mohammad Rasool Ahangaran^{1*}, Ensiyeh Nourahmadi²

1. Professor of the Faculty of Theology, Farabi Campus, University of Tehran, Qom, Iran. (Corresponding Author)

Email: ahangaran@ut.ac.ir

2. Ph.D. Student of Jurisprudence and Principles of Islamic Law, Bu Ali University of Hamadan, Hamadan, Iran.

Received: 25 Jun 2019 Accepted: 21 Sep 2019

Abstract

Background and Aim: A fetus that develops normally is subject to such rules as the sanctity of abortion. The jurists agree that abortion is a crime and depending on how long the sperm has entered the mother's womb and the steps taken, the offender must pay blood money. This study aims to investigate the possibility of spreading natural abortion rulings on embryos in vitro based on jurisprudential sources and documents.

Materials and Methods: The present analytical descriptive study has been written using library data, both real and cyber. Thus, first of all, the reasons that can be cited in Imami jurisprudential sources regarding abortion has been planned and then by analytical method it has been tried to examine the possibility of spreading the rules of natural abortion to the embryos in vitro abortion. In this regard, since the most important document of these rulings are narrations that express the sanctity of abortion, these narrations have been studied and by examining the word embryo in them and also the way or subject of its formation, the possibility of inclusion of narrations in relation to embryos in vitro is measured.

Conclusion: Studies have shown that among the jurists regarding the deprivation of life of embryos produced by abnormal fertilization, two theories of permissibility and impermissibility have been proposed. By the review of the documents of the two theories, it appears that the reasons for deprivation of life impermissibility are more certain and strong. Then there is no difference between an embryo in vitro and a natural embryo in deprivation of life. Destroying the embryos in vitro is not permissible as well as the natural embryos, unless in special cases that the secondary titles require otherwise.

Keywords: Embryo; Embryo in Vitro; Life; Abortion.

Please cite this article as: Ahangaran MR, Nourahmadi E. Jurisprudential Verdict on Deprivation of Life from the Embryos in Vitro. *Med Jurisprudence J* 2019; 11(38-39): 81-95

حکم فقهی سلب حیات از جنین‌های آزمایشگاهی

محمدرسل آهنگران^{۱*}، انسیه نوراحمدی^۲

۱. استاد دانشکده الهیات پردیس فارابی، دانشگاه تهران، قم، ایران. (نویسنده مسؤول) Email: ahangaran@ut.ac.ir

۲. دانشجوی دکترای فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه بوعلی همدان، همدان، ایران.

دریافت: ۱۳۹۸/۴/۴ پذیرش: ۱۳۹۸/۶/۳۰

چکیده

زمینه و هدف: جنینی که به شیوه معمول به وجود می‌آید، مشمول احکامی نظیر حرمت سقط است. فقیهان اتفاق نظر دارند که سقط جنین جرم محسوب می‌شود و بسته به مدتی که نطفه (زیگوت) وارد رحم مادر گشته و مراحل طی شده، مجرم باید دیه بپردازد. این پژوهش بر آن است که امکان سرایت احکام مربوط به سقط جنین طبیعی بر جنینی که در لوله‌های آزمایشگاهی تولیدشده را بر اساس منابع و مستندات فقهی مورد بررسی قرار دهد.

مواد و روش‌ها: مقاله حاضر به روش توصیفی تحلیلی و با استفاده از داده‌های کتابخانه‌ای اعم از حقیقی و سایبری، به نگارش درآمده، بدین ترتیب که ابتدا کلیه دلایلی که در منابع فقهی امامیه در زمینه سقط جنین قابل استناد بوده، طرح و آنگاه به روش تحلیلی سعی شده تا امکان سرایت احکام سقط جنین طبیعی به سقط جنین آزمایشگاهی مورد بررسی قرار گیرد. در این راستا چون مهم‌ترین مستند احکام مزبور، روایاتی هستند که حرمت سقط جنین را بیان می‌کنند، این روایات مورد مذاقه قرار گرفته و با بررسی واژه جنین در آن‌ها و همچنین طریقت یا موضوعیت‌داشتن نحوه شکل‌گیری آن، امکان شمول روایات نسبت به جنین‌های آزمایشگاهی سنجیده می‌شود.

نتیجه‌گیری: بررسی‌های صورت‌گرفته بیانگر آن است که میان فقیهان در زمینه سلب حیات جنین‌های تولیدشده از راه لقاح غیر طبیعی، دو نظریه جواز و عدم جواز مطرح شده که از نقد و بررسی مستندات دو نظریه چنین برمی‌آید که دلایل قول به عدم جواز سلب حیات، از اتقان و استحکام بیشتری برخوردار است. بنابراین در حکم سلب حیات فرقی میان جنین آزمایشگاهی و طبیعی وجود ندارد و همانطور که سقط جنین‌های تشکیل‌شده به صورت طبیعی، جایز نیست، انعدام جنین‌های آزمایشگاهی نیز دارای همین حکم بوده، مگر آنکه در موارد خاص عناوین ثانوی به نحو دیگری اقتضا نماید.

واژگان کلیدی: جنین؛ جنین آزمایشگاهی؛ حیات؛ سقط جنین

مقدمه

یکی از موضوعات مهم که در سال‌های جدید در علم ژنتیک مطرح شده و علاوه بر پیشرفت‌های چشم‌گیر، مباحثات متعدد فقهی و چالش‌های اخلاقی زیادی را به دنبال داشته، تولد نوزادانی است که در خارج از رحم و به وسیله لقاح مصنوعی در محیط آزمایشگاهی شکل گرفته و پا به عرصه هستی گذاشته‌اند که در اصطلاح، جنین آزمایشگاهی نامیده می‌شوند. نطفه این نوزادان در خارج از رحم مادر بارور شده و مراحل اولیه رشد و تکامل خود را در محیط آزمایشگاهی طی می‌کنند. جنین‌های اضافی تولید شده که زوجین نابارور در حال حاضر به آن‌ها نیازی ندارند، در محیط آزمایشگاه در ازت مایع فریز شده تا در سیکل‌های بعدی بارداری از آن‌ها استفاده گردد. حال آنچه نگارندگان را به نوشتن این مقاله سوق داده سرنوشت جنین‌های آزمایشگاهی است که اگر روزی به اتمام دوره انجماد خود برسند باید چه تصمیمی در مورد آن‌ها اتخاذ نمود و آیا دورریختن آن‌ها و از بین بردنشان جایز است یا خیر؟ از آنجایی که زادگاه مسأله فوق، قرون جدید است و مسأله در شمار مسائل مستحدثه قرار می‌گیرد، باید از میان مطالب موجود در کتب فقهی متقدم، زمینه و مبنای حکم مربوط به آن را یافت. برای منقح شدن پاسخ به این سؤال که حکم سلب حیات از جنین‌های آزمایشگاهی چیست، لازم است بین مراحل مختلف تشکیل جنین آزمایشگاهی تفکیک قائل شد و ماهیت جنین آزمایشگاهی را قبل و بعد از ایجاد و قرار گرفتن در محیطی که قابلیت رشد را در آن دارد مورد بررسی قرار داده و حکم سلب حیات از نطفه و جنین آزمایشگاهی را با توجه به متون حدیثی و فقهی تعیین نمود.

مواد و روش‌ها

پژوهش حاضر به روش توصیفی - تحلیلی و با استفاده از داده‌های کتابخانه‌ای اعم از فضای واقعی و مجازی به نگارش درآمده است. تحقیق پیش رو بر آن است تا حکم فقهی سلب حیات از جنین‌های آزمایشگاهی را بر اساس منابع و مستندات فقهی مورد کاوش و کنکاش قرار داده و ضمن بیان دیدگاه فقیهان در این زمینه، آنچه مقتضای تحقیق است، مشخص گردد.

یافته‌ها

در زمینه حکم فقهی سلب حیات از جنین‌های آزمایشگاهی دو دیدگاه متفاوت وجود دارد. دیدگاه اول عبارت است از عدم جواز: بر این اساس سلب حیات از جنین‌های آزمایشگاهی از لحظه لقاح بین اسپرم و تخمک در لوله آزمایشگاه، در حکم سقط جنین بوده و مستلزم پرداخت دیه است؛ دیدگاه دوم عبارت است از جواز: بر اساس این دیدگاه بر جنینی که هنوز در مرحله اولیه وجود قرار دارد و به رحم مادر انتقال نیافته، هیچ یک از احکام شرعی، از قبیل وجوب حفظ و حرمت تضییع، مترتب نمی‌شود و سلب حیات از آن، پیش از انتقال به رحم مادر اشکالی ندارد.

هرچند اکثر فقیهان متأخر امامیه نظریه جواز را برگزیده‌اند، اما بررسی دلایل و مستندات نظریه عدم جواز سلب حیات از جنین‌های آزمایشگاهی، نشان می‌دهد این نظریه، از استحکام و قوام بیشتری برخوردار است.

۱- پیشینه تحقیق

اگرچه در اطراف موضوع مورد بحث مقالاتی به نگارش درآمده، مانند ۱- مقاله لزوم حفظ کرامت زیستی جنین آزمایشگاهی در پرتو اسناد اخلاق زیستی، از مهسا شیروی در مجله اخلاق پزشکی، دوره ۴، شماره ۱۱، بهار ۱۳۸۹؛ ۲- مقاله بررسی ماهیت جنین‌های منجمد از نظر فقهی، اخلاقی و حقوقی، از نازیلا تقوی، محمد اسدی‌نژاد، رضا عمانی سامانی در فصلنامه فقه پزشکی، دوره ۸، شماره ۲۶ و ۲۷ سال ۱۳۹۵؛ ۳- مقاله ملاحظات حقوقی و اخلاقی پیرامون حفظ باروری، از نازیلا تقوی، محمد اسدی‌نژاد، رضا عمانی سامانی، عبدالله رستمی، در مجله علمی پزشکی قانونی، شماره ۲۱، سال ۱۳۹۴؛ ۴- مقاله بررسی مشروعیت از بین بردن جنین‌های آزمایشگاهی در فقه مذاهب اسلامی، از ابراهیم جوانمرد فرخانی در مجله فقه مقارن، دوره ۴، شماره ۷، سال ۱۳۹۵، ولی برخی از مقالات فوق دارای رویکرد فقهی نبوده و از میان برخی از مقالات که از چنین رویکردی برخوردار است، نمی‌توان به پاسخی که تحقیق حاضر درصدد آن است رسید، چراکه روش مقاله حاضر تعیین حکم فقهی سلب حیات از جنین آزمایشگاهی بر اساس تعیین مراد استعمالی و جدی از

واژه جنین می‌باشد و تا به حال پژوهشی فقهی در قالب مقاله با رویکرد مزبور انجام نگرفته است.

۲- مفهوم‌شناسی حیات، نطفه و جنین آزمایشگاهی

برای روشن‌شدن حکم مسأله ابتدا باید مفاهیم کلیدی مرتبط با موضوع به طور کامل واکاوی و شناخته گردد.

۱-۲- مفهوم حیات: حیات، در مقابل ممات بوده و حیات حقیقی و ذاتی برای خداوند متعال است و برای دیگران از جانب او افزوده می‌شود (۱). از نظر پزشکان نیز، زمان آغاز حیات انسان زمانی غیر از زمان انعقاد نطفه است. بر اساس دیدگاه ایشان هرچند از لحاظ بیولوژیکی با انعقاد نطفه بخشی از بدن انسان شکل می‌گیرد، اما معلوم نیست که یک انسان به معنای دقیق کلمه به وجود آید (۲).

از منظر پزشکی، در مورد زمان آغاز حیات، دیدگاه‌ها متفاوت است، برخی حیات جنین را از زمان لقاح نطفه در رحم دانسته و گروهی گفته‌اند حیات اقسامی دارد: ۱- حیات سلولی که در نطفه موجود است؛ ۲- حیات بافتی که در هنگام تقسیم‌شدن سلول‌ها در جدار رحم و تداوم تقسیم آن وجود دارد که از هفته دوازدهم دوران بارداری شروع می‌شود. برخی دیگر بر این باورند که آغاز حیات نه از زمان در رحم قرار گرفتن نطفه، بلکه از زمانی که اسپرماتوزوئید با تخمک ترکیب شود و به دیواره رحم بچسبد آغاز می‌شود (۳)، اما چنانکه برخی گفته‌اند: مشهور بلکه محسوس این است که حیات سه گونه است: ۱- زندگی گیاهی؛ ۲- زندگی حیوانی؛ ۳- زندگی انسانی. حیات جنین تا هنگامی که حس و حرکت ارادی ندارد، حیات گیاهی است، پس از به وجودآمدن حس و حرکت در آن حیات حیوانی، پس از دمیده‌شدن روح، حیات انسانی است و پس از آن انسان در مراحل زندگی خویش به انواع دیگری از زندگی دست می‌یابد که از نوع دیگر است (۳).

از نظر اسلام، وجود انسان با دو بعد روح و جسم از نطفه شکل می‌گیرد. اجمالاً از قرآن در سوره حجر آیه ۲۹ و نیز سوره ص آیه ۷۲ برمی‌آید که در آدمی، جز بدن، چیز بسیار شریفی که حقیقت انسان را تشکیل داده و مخلوق خداست، وجود دارد که نام آن روح می‌باشد (۴). بنابراین خلقت انسان از خاک بوده، ولی در اصل، بعد از نطفه آفریده شده است،

چنانکه آیه ۸ از سوره سجده و آیه ۱۴ از سوره مؤمنون، دلالت بر این دارد که در کنار رشد جسمانی، با دمیده‌شدن روح در جنین تحولی دیگر آغاز می‌شود (۵).

در خصوص این که چه زمانی روح در جنین قرار می‌گیرد، برخی از فقیهان به استناد روایات معصومان (ع) و به خصوص روایت نبوی (ص)، زمان ولوج روح در جنین انسان را پس از پایان چهار ماهگی می‌دانند (۶-۷). علامه مجلسی این قول را به مشهور نسبت می‌دهد و می‌افزاید که بیشتر اخبار بر آن دلالت دارند (۸). شیخ انصاری می‌گوید: برخی از روایات دیه جنین و حدیث نبوی دلالت بر این دارند که ولوج روح در چهار ماهگی است، هرچند از پزشکان نقل شده است که ولوج روح در پایان دو ماهگی ممکن بوده و زنان نیز به تجربه یافته‌اند که حرکت جنین در سه ماهگی آغاز می‌شود (۹-۱۰)، اما آنچه اهمیت دارد، عبارت است از آنچه در متون دینی در این زمینه بیان گردید.

بر اساس متون و نصوص روایی، در زمینه سلب حیات از آنچه در رحم مادر قرار می‌گیرد، عنوان سقط جنین و حرمت سقط جنین، مطرح است؛ با توجه به دلایل متقنی که در منابع اسلامی وجود داشته و مورد اتفاق نظر همه فقهاست این که هر کسی که مرتکب سقط جنین شده باشد، قاتل محسوب می‌شود و در نهایت، نظر به مدتی که نطفه وارد رحم مادر گشته و مراحل را طی کرده، دیه‌ای که باید پرداخت شود، متفاوت است. در این مورد به چند دلیل مهم اشاره می‌کنیم:

- موثق اسحاق بن عمار: او می‌گوید: به ابوالحسن حضرت موسی بن جعفر (ع) عرض کردم: زنی از آبستن‌شدن می‌ترسد و دارو می‌نوشد تا آنچه را که در شکم دارد، بیاندازد. امام فرمودند: نه این کار را نباید بکند گفتیم: نطفه‌ای بیش نیست (هنوز در حال نطفه است) آیا باز جایز نیست؟ امام (ع) فرمود: «آغاز خلقت انسانی نطفه است» این روایت از منظر علامه مجلسی موثق می‌باشد که این گفتار امام خوردن دارو برای انداختن جنین را حرام می‌داند و سخن امام (ع) این گونه شروع می‌شود: «ان اول ما یخلق نطفه» و حرمت این کار از زبان امام روی محور آغاز آفرینش

انسان بودن دور می‌زند و لفظ نطفه در اینجا برای جنین استعمال شده، پس عنوان حرمت سقط جنین در هر مرحله‌ای که باشد، صدق می‌کند (۱۲-۱۱).

- روایت منقول از امام صادق (ع) و امام رضا (ع): در روایت معتبری که با اسناد فراوان نقل شده از امام صادق (ع) و امام رضا (ع) چنین آمده است: امیرالمؤمنین علی (ع) دیه جنین را صد دینار مقرر فرمود و برای دیه منی مرد را تا آنکه جنین شود، پنج مرحله قرار داد: اگر جنین بود، پیش از آنکه روح در آن قرار گیرد، صد دینار و نطفه بیست دینار و علقه چهل دینار و مضغه شصت دینار و استخوان هشتاد دینار و چون گوشت بر آن پوشیده شود، صد دینار کامل برای اوست و زمانی که روح در آن دمیده شد، در این هنگام یک انسان است که در آن هزار دینار کامل است (۱۷-۱۳).

با توجه به روایت فوق معلوم می‌شود که حیات در انسان از آغاز تحقق ماده خلقت که نطفه (ترکیب سلول تخمک و اسپرم) است، شروع می‌شود و هر کسی نسبت به مراحل مختلف آن وظیفه داشته و باید به تکلیف خود درباره آن عمل نماید و هرچند صاحب نطفه (پدر و مادر) می‌باشند، در صورت تخلف از وظیفه مجرم شناخته شده و کیفر مالی هم باید بپردازند، اما باز این سؤال باقی می‌ماند که آیا مفهوم نطفه و جنین بر جنین آزمایشگاهی صدق می‌کند و این حرمت سلب حیات شامل آن دو می‌شود یا خیر؟ که برای رسیدن به پاسخ نیاز به بررسی لغوی این دو مفهوم می‌باشد.

۲-۲- مفهوم‌شناسی جنین: از نظر پزشکی، جنین موجودی است که پس از لقاح تخمک به وسیله اسپرماتوزوئید و پس از تقسیمات سلول تخم، حاصل می‌شود و دوران رشد خود را داخل رحم مادر می‌گذراند (۱۸). شکل‌گیری جنین و سیر تکاملی آن یا به شکل طبیعی و از طریق مقاربت زن و شوهر صورت می‌گیرد و یا به طریق آزمایشگاهی و از طریق لقاح مصنوعی نسبت به ایجاد نطفه و پرورش آن در محیط آزمایشگاه اقدام می‌شود (۱۹).

در کتب لغت برای تبیین مفهوم جنین از عباراتی مانند «الْجَنِینُ فِی بطنِ أُمِّهِ» (۲۱-۲۰)، «الْوَلَدُ فِی بطنِهَا» (۲۲)، «الْوَلَدُ فِی

الرحم» (۲۳)، «الْوَلَدُ مَا دَامَ فِی بطنِ أُمِّهِ لَا سِتَارَهُ» (۲۴-۲۶)، «الْوَلَدُ مَا دَامَ فِی الرَّحْمِ» (۲۷) استفاده شده که نشان‌دهنده این مطلب است که عرب حقیقت جنین را برای فرزند موجود در شکم مادر به علت پوشیده و پنهان بودن از دسترس به کار برده است (۱، ۲۱، ۲۶-۲۵، ۳۵-۲۸).

مشتقات جنین ۲۰۱ بار در ۱۹۶ آیه و در ۷۰ سوره از قرآن کریم به کار رفته است. در این میان تنها در یک آیه واژه جنین به صورت جمع «أَجِنَّةٌ» به کار رفته است و آن در سوره نجم آیه ۳۲، مفردات و تفاسیر قرآن کلمه اجنه را جمع جنین بر وزن فعیل به معنی مفعولی «طفل تا زمانی که در رحم مادر مستقر است» ترجمه کرده است (۳۵-۳۴). بنابراین جنین در این آیه به معنای مجنون و پوشانده شده آمده است (۳۰)، البته برخی جنین را صورتی قبل از ولوج روح تعریف کرده‌اند (۳۶).

در کتب حدیثی در باب‌هایی همچون خلقت انسان و تدبیر جنین در رحم، کیفیت ولادت جنین، دیه جنین در رحم، میراث، وصیت و... از جنین و احکام مختلف آن سخن به میان آمده است. احادیث در این زمینه بسیار بوده و اندکی میان‌شان تفاوت وجود دارد (۱۱، ۱۵-۱۴، ۳۸-۳۷)؛ در متن این احادیث عباراتی نظیر «تَمَّ الْجَنِینُ» (۴۰-۳۹)، «جَعَلَ مَنِی الرَّجُلِ إِلَى أَنْ یَكُونَ جَنِیناً خَمْسَةَ أَجْزَاءٍ» (۱۳، ۱۶-۱۵، ۳۹) آمده که مفهوم جنین را بیان می‌کند. از این احادیث برمی‌آید که از زمان قرارگرفتن نطفه در داخل رحم زن عنوان جنین بر موجود تحقق یافته، صدق می‌کند و پس از گذر زمان و دمیده شدن روح در آن جنین به طور کامل تکون می‌یابد.

۲-۳- مفهوم‌شناسی نطفه: نطفه دارای دو ریشه با دو معنای متفاوت بوده و به تدریج معنایش گسترش پیدا کرده است (۳۳). یکی از دو ریشه آن به معنای آب زلال و پاک است (۳۴، ۴۲-۴۱)، خلیل بن احمد فراهیدی از اصحاب امام صادق (ع) در کتاب «العین» که از قدیمی‌ترین کتب لغت به شمار می‌آید، کاربرد این واژه را در جمله ذیل بیان کرده است: «نطفه به آب زلال اطلاق می‌شود، چه کم باشد چه زیاد... و

کلمه نطفه همچنین به معنای چیزی که فرزند از آن به وجود می‌آید، می‌باشد» (۴۱)؛ به دنبال این سخن برخی دیگر از لغویون در سال‌های پس از ایشان نطفه را به معنای آب مرد و زن ترجمه نمودند (۲۰، ۲۵).

بر اساس آیات قرآن ابتدای آفرینش انسان به این دنیا و جریان به وجود آمدنش همان نطفه حاصل شده از مرد و زن است، نطفه از آن جهت به منی تعبیر می‌شود که مظهري برای شهوت و میل نفسانی است و بعد از قرار گرفتن در رحم، عنوان نطفه را به خود اختصاص داده می‌دهد (۱).

قرآن مجید با ۱۱ بار به کارگیری کلمه «نطفه» و یک بار کلمه «النطفه» که تمام موارد آن درباره آفرینش انسان می‌باشد، این مطلب را متذکر می‌شود که انسان از نطفه آفریده شده و این مرحله نخستین مرحله آفرینش وی است. تفاسیر متعددی در مورد معنا و مفهوم این کلمه وجود دارد (۴۳، ۴۵)، گرچه آن را نطفه مرد گفته‌اند، ولی در اغلب آیات اختصاص به مرد نداشته، بلکه ظاهراً نطفه مرد و زن هر دو مراد است، اگرچه در عصر نزول قرآن کریم، مردم از نطفه زنان خبر نداشتند، لکن این احتمال می‌رود که خداوند هر دو را قصد کرده باشد، چراکه انسان از نطفه مرد و زن به وجود می‌آید و بعید نیست که مراد از نطفه در آیات خود سلول زن و مرد بوده که هر دو چکیده و جداسده از وجود زن و مرد می‌باشد (۳۰).

با توجه به کتاب‌های لغت و کاربرد نطفه در قرآن و عرف مردم، به نظر می‌رسد نطفه به معنای چکیده، آب کم و عصاره وجود انسان می‌باشد و شامل زن و مرد می‌باشد. در مواردی هم به آب زیاد اطلاق شده و در اصطلاح نیز عبارت است از آنچه از مردان یا زنان برای لقاح و تشکیل جنین خارج می‌شود.

۴-۲- اصطلاح جنین و نطفه از منظر فقها: در کتب فقها چندان تعریف دقیقی از جنین ارائه نشده، بلکه ایشان ضمن مباحثی، چون ارث، وصیت، دیه و عزل به مسائل مربوط به جنین پرداخته و اکثراً از کلمه حمل هنگام تعیین احکام استفاده نموده‌اند. در کتب گذشتگان تنها تعریفی که به آن اشاره شده، متعلق به ابن ادریس بود که ایشان در کتاب خود

این‌گونه بیان نموده است: به فرزند تا هنگامی که در شکم باشد، جنین گفته می‌شود و آنچه که ابتدا به وجود می‌آید، نطفه است که پس از قرار گرفتن در رحم ۲۰ روز این عنوان بر او صدق می‌کند (۴۶).

در کتاب دعائم الاسلام نیز تعریف حمل به صورت مفهوم «موجود در شکم» ارائه شده (۴۷)؛ شهید ثانی نیز از جمله فقهای است که به تعریف واژه جنین پرداخته و می‌فرماید: «جنین همان حمل در بطن مادرش است که به خاطر استتار آن در شکم مادر به این نام خوانده شده است، این واژه از ریشه اجتنان به معنای پوشش استفاده می‌شود» (۴۸).

در شرح تبصره علامه نیز به معنای فوق به کار رفته است (۴۹). فقها ضمن بیان مراحل تکامل جنین، ماهیت جنین و دیه مربوط به هر زمان را توضیح داده‌اند (۵۰).

فقها مسائل مربوط به جنین را در دو زمان قبل و بعد از ولوج روح با تفاوت‌هایی در احکامشان بیان نموده‌اند و آنچه روی سخن ایشان به آن است، همان فرزند داخل شکم می‌باشد.

۳- حکم سلب حیات از جنین آزمایشگاهی

۳-۱- حکم سلب حیات از جنین آزمایشگاهی قبل از ایجاد و استقرار در رحم: از بررسی کتب فقهی و حدیثی معلوم گردید که برای یافتن حکم سلب حیات از نطفه آزمایشگاهی قبل از استقرار در رحم، لازم است در این زمینه مباحث عزل و دیه مورد بررسی لازم قرار گیرد.

شیخ مفید در مقنعه و شیخ طوسی در دو کتاب خلاف و نهایه، قائل به لزوم پرداخت دیه در صورت عزل از زن آزاد بدون اذن وی شده‌اند و شیخ طوسی بر این مسأله ادعای اجماع فرقه و وجود روایات متعدد را نموده است (۳۶، ۵۱).

ابن ادریس در مورد عزل از زن آزاد اعتقاد به کراهت داشته و ایشان در دنباله سخن خودش بیان می‌دارد که اگر مرد از زن خود عزل نماید، گنهکار نمی‌باشد و فقط یک فضیلتی که اقوال صحیح اصحاب و ظاهر روایات شان بدان اشاره کرده است را از دست می‌دهد. ایشان تصریح نموده‌اند که روایت این عمل را حرام می‌دارد و برای از بین بردن نطفه ۱۰ دینار دیه قرار داده‌اند، در صورتی که ابن ادریس بدان قائل

نمی‌باشد و اصل را بر برائت ذمه از وجوب پرداخت دیه می‌داند و این‌گونه اخبار و روایات را جزء خبر واحدی قلمداد نموده که نباید به آن‌ها عمل نمود (۴۶).

برخی همچون یحیی بن سعید در جامع الشرائع و فاضل آبی شاگرد محقق حلی در کتاب کشف الرموز معتقد است که دیه عزل در زمانی که زوجه زن آزادی باشد که راضی به عزل نیست، ۱۰ دینار می‌باشد (۵۲-۵۳).

پیش از ابن ادریس، مفید در مقنعه (۳۶)، شیخ طوسی در خلاف (۵۱-۵۰) و مبسوط و ابن حمزه قائل به حرمت و ثبوت دیه شده‌اند، شیخ طوسی در نهاییه قائل به جواز عزل و لزوم دیه شده (۵۰)، فقیهانی چند هم مسأله جواز یا حرمت عزل را عنوان نکرده‌اند، ولی فتوا به لزوم دیه داده‌اند که عبارتند از أبوالصلاح حلبی در کافی (۵۴) و ابن براج در مهذب (۵۵) و نیز ابن زهره (که تقریباً معاصر ابن ادریس است) در غنیه (۵۶)، بلکه او بنا بر رسم خود دعوای اجماع هم بر آن نموده است. پس از ابن ادریس هم غالب فقها، به لزوم دیه فتوا داده‌اند، همچون محقق حلی در نکاح شرائع (۵۷)، علامه حلی در ارشاد و قواعد (۵۸-۵۹) و محقق حلی در نکت النهایه (۶۰) و سبزواری در مهذب الاحکام (۶۱)، فاضل آبی در کتاب الدیات وجوب دیه را به اکثر نسبت داده و خود بدان مایل شده است (۶۲).

البته قبل از ابن ادریس قائل صریح به عدم ثبوت دیه یافت نشد، از سیدمرتضی فتوایی در این زمینه نقل نشده و عنوان مسأله در کتب موجود وی دیده نمی‌شود (۶۳). پس از ابن ادریس، محقق حلی در نافع و کتاب الدیات شرائع (۵۷) و علامه در مختلف (۶۴) و ابن فهد در مقتصر (۶۵) و نیز صیمری در غایة المرام (۶۶) و محقق کرکی در جامع المقاصد (۶۷) و شهید ثانی در مسالک (۶۸) و صاحب مدارک در نهایة المرام (۶۹) و علامه مجلسی در مرآة العقول (۳۹) و فیض کاشانی در مفاتیح (۷۰) و محدث بحرانی در حدائق (۷۱) و نیز صاحب ریاض (۷۲) و نراقی در مستند (۷۳) و صاحب جواهر (۷۴) و شیخ انصاری در کتاب النکاح (۷۵) به عدم لزوم دیه فتوا داده‌اند، پس تا

قبل از ابن ادریس قطعاً شهرت با قول به لزوم دیه در عزل بوده است (۶۳)، ولی بعد از او شهرت در طرف مقابل قرار دارد. فقها در عصر حاضر تحت عنوان جلوگیری از بارداری نیز به جواز عزل و عدم دیه در آن حکم داده‌اند، امام خمینی (ره) در این‌باره چنین می‌فرماید: «برای جلوگیری از انعقاد نطفه هر وسیله مشروعی که بی‌ضرر باشد و باعث نقص مرد یا زن به طور دائم نشود، ذاتاً مجاز است» (۷۶) و بنا بر نظر ایشان جلوگیری زن بدون رضایت شوهر جائز نیست، ولی اگر مرد جلوگیری نماید، مانع ندارد، اگرچه بدون رضایت زن «عزل» مکروه است (۷۷). آیت‌... مکارم شیرازی نیز عمل جلوگیری را همانند عزل می‌داند و چنین می‌فرماید: «عزل یکی از مصادیق جلوگیری است که در زمان ما مصادیق دیگری هم وجود دارد، مثل قرص‌ها، استفاده از وسایل جلوگیری و بستن لوله‌ها که احکام عزل در این موارد هم جاری است، چراکه لحن روایات این‌ها را هم می‌گیرد، تناسب حکم و موضوع هم همین است، چون عزل برای جلوگیری از انعقاد ولد است و موارد دیگری هم که مشابه عزل است باید حکم آن را داشته باشد و اگر در مورد عزل قائل به کراهت یا حرمت یا استثنا شویم، در موارد دیگر هم همین را می‌گوییم» (۷۸).

از مجموع احادیث و نظرات فقها این‌گونه استنباط می‌شود که معنای نطفه در این مرحله در سخن آنان تنها منی مرد می‌باشد که به رحم زن راه نیافته است و با تخمک زن ترکیب نشده است. بنابراین این آب تنها از آن مرد است و او می‌تواند در مورد سرنوشت آن تصمیم بگیرد، چراکه هنوز در رحم قرار نگرفته و با تخمک ترکیب نشده تا بتوان آن را نقطه آغازین وجود انسان دانست، اما از طرفی می‌توان گفت اگر از نظر شارع مقدس از بین‌بردن اسپرم مرد بدون اذن وی جایز نباشد، به طریق اولی از بین‌بردن جنین و گامت‌های آزمایشگاهی که ترکیبی از اسپرم مرد با تخمک زن می‌باشد و نقطه آغازین حیات آدمی به حساب می‌آیند، جایز نیست، لذا چه با اذن زن و مرد صاحب نطفه و چه بدون اذن آن‌ها اگر گامت‌ها از بین برده شود، مرتکب عمل، مشمول پرداخت دیه می‌گردد.

۲-۳- حکم سلب حیات از جنین آزمایشگاهی پس از ایجاد و استقرار در رحم: در این زمینه لازم است تا به بررسی

روایات در مورد از بین بردن نطفه‌ای که به رحم زن انتقال پیدا کرده و شرایط لازم برای رشد را داشته پرداخته شود:

۱-۲-۳- روایت اول: رفاعه گوید: از امام صادق (ع) سؤال کردم: «کنیزی خریدم و چه بسا به سبب فاسد شدن خون یا نفخ در رحم، خون حیض او قطع می‌شود و بعد از خوردن دارویی، همان روز خون می‌بیند. آیا این کار جایز است؟ در حالی که نمی‌دانم قطع خون به سبب حامله شدن است یا به علت دیگر؟» امام (ع) فرمود: «این کار را نکن»، عرض کردم: «گاهی قطع خون او بعد از گذشت یک ماه است و اگر به سبب حاملگی بود، باید نطفه‌ای [که سقط می‌شود] همانند نطفه مردی که عزل می‌کند، باشد [در حالی که او با خوردن دارو، خون می‌بیند]، امام پاسخ فرمود: «هرگاه نطفه منعقد شده و در رحم قرار گیرد، تبدیل به لخته خون (علقه) سپس به تکه گوشتی (مضغه) می‌شود و بعد از آن هرچه خواست الهی است، همان خواهد شد. اگر نطفه در رحم قرار نگیرد، از او چیزی خلق نمی‌شود، پس هرگاه یک ماه از قطع عادت کنیز بگذرد، به او دوانده و در زمانی که خون می‌بیند، جایز است» (۷۹-۸۱، ۱۵).

حدیث فوق از نظر علامه مجلسی (ره) صحیح به شمار آمده (۳۹) و در آن نهی از نوشیدن دارو برای اسقاط جنین توسط زن باردار صورت گرفته است (۸۲)؛ دو عبارت «لا تفعل» که در جواب پرسش از جواز خوردن دارو است و «فلا تسقها» که در ذیل روایت ذکر شده، می‌رساند در زمانی که احتمال بارداری داده می‌شود - چه رسد به جایی که یقین به آن داریم - خوردن دارو حرام است و امام (ع) در تأیید کلام خود به بیان فرق میان نطفه‌ای که در رحم منعقد شده و مبدأ خلقت و تبدیل شدن به علقه و مضغه، می‌باشد، با نطفه‌ای که در خارج رحم واقع شده، پرداخته است (۸۳).

بنابراین دلالت روایت بالا بر حرمت [سقط جنین] روشن است، زیرا پرسش‌کننده آشکارا درباره روابودن انداختن نطفه سؤال نمود و امام (ع) او را از این عمل، بازداشته است، پس از یکسو با توجه به این که نهی در اینجا ظهور در عدم جواز دارد و از سوی دیگر وقتی راوی مورد سؤال را با منی مقایسه می‌کند که در بیرون رحم ریخته می‌شود، امام (ع) پاسخ می‌دهد که

میان نطفه و منی تفاوت وجود داشته و سرانجام دلالت روایت بر نهی از این عمل مزبور روشن خواهد بود (۸۵-۸۴).

محمد آصف محسنی معتقد است که مفهوم شرطی که در این حدیث با عنوان «إذا ارتفع» بیان شده، اطلاق حدیث اسحاق بن عمار را قید می‌زند، پس حدیث دلالت دارد بر این که در موقعی که عادت ماهانه زن به تأخیر افتاد، واجب است احتیاط کند و دارو ننوشد و در این موقع امکان اجرای استصحاب عدم بارداری وجود ندارد و این نشان‌دهنده اهتمام شارع به حفظ نطفه می‌باشد (۸۶). بنابراین امام (ع) در این حدیث برای کسی که احتمال بارداری را می‌دهد، خوردن دارو را منع نمودند و این تنها به این دلیل است که حق نطفه رعایت شود، چراکه نطفه منعقد شده از انسان محترم است. بنابراین هیچ‌گونه اقدامی که مانع رشد و رسیدن آن به مرحله والای انسانی گردد، جایز نمی‌باشد (۸۷).

افزون بر همه آنچه گفته شد، نکته دیگری که دلالت روایت بر حرمت سقط جنین را نشان می‌دهد، آن است که نخست، پرسش درباره احتمال بارداری است و امام (ع) آشکارا از خوردن دوا در جایی که احتمال بارداری می‌رود، نهی می‌کند تا شخص در حرام نیفتد و این نکته، حرمت مؤکد آن را آشکار می‌سازد، به گونه‌ای که حتی در مورد شک و احتمال هم باید احتیاط کرد (۱۲).

در نتیجه این روایت به طور کلی ظهور دارد بر حرمت سقط جنین، هرچند این عمل با رضایت زن و شوهر باشد. بنابراین هرگاه دور ریختن نطفه که سنگ زیرین ساختار انسان است حرام باشد، انداختن جنین در مراحل بعدی نیز حرام خواهد بود و دلالت صحیح بر این حرمت روشن است، زیرا ظهور در این دارد که انداختن مبدأ آفرینش انسان در هر مرحله که باشد، حرام است (۸۸).

در این روایت بین نطفه قبل از وقوع در رحم و نطفه پس از وقوع در رحم فرق قائل شده است و از نحوه پاسخ امام (ع) فهمیده می‌شود که اتلاف نطفه با عزل جایز است، محصل فرمایش امام (ع) این است که نطفه پس از وقوع در رحم مبدأ انسان به حساب آمده، ولی قبل از آن هنوز چنین جایگاهی

نیافته، بنابراین عزل کردن همانند ازدواج نکردن می‌باشد که سبب از بین بردن زمینه استیلا می‌باشد (۶۳).

۲-۲-۳- روایت دوم: اسحاق بن عمار گوید: از امام کاظم (ع) درباره حکم زنی پرسیدم که به خاطر ترس از بارداری، دارویی می‌نوشد که سبب سقط جنین می‌شود، امام فرمود: «جایز نیست»، گفتم: آن، نطفه‌ای بیش نیست، فرمود: «نطفه مبدأ خلقت آدمی است» (۷۹، ۸۹). این روایت دلالت دارد بر این‌که همین قدر که منی در جای خود قرار گرفت، حتی نطفه باشد، جایز نیست که آن را ساقط کنند و از بین بردن نطفه به واسطه خوردن دارو حرام است و امام با عبارت «إِنَّ أَوَّلَ مَا يَخْلُقُ نُطْفَةٌ» تأکید می‌کند که فرق بین نطفه در رحم و غیر آن، این است که اولی مبدأ خلقت است.

شاید بتوان از عمومیت تعلیل استفاده نمود که اگر اسپرم مرد را با لقاح مصنوعی در دستگاه کشت داده و تخمک زن را بارور سازند و نطفه (زیگوت) منعقد گردد و شروع به رشد کند (منظور این است که برای ادامه حیات به رحم زن منتقل شود)، از بین بردن این نطفه نیز حرام است، اما از بین بردن نطفه ترکیب شده، پیش از قرارگرفتن در رحم طبیعی و یا مصنوعی، جایز است، زیرا صلاحیت رشد و تکامل ندارد و آنچه از تعلیل به دست می‌آید، حرمت نابودکردن نطفه در حال رشد و تکامل است، خواه نطفه تشکیل شده، مشروع باشد یا نامشروع و خواه قرارگرفتن نطفه در رحم از راه حلال باشد و یا حرام، زیرا بعد از تشکیل نطفه، اطلاق دلیل شامل آن می‌شود (۱۲).

۳-۳- حکم مسأله از منظر فقه‌های متأخر: فقه‌های متأخر نیز در ذیل مبحث دیات و یا استفتائات مربوط به کنترل جمعیت چنین متعرض مسأله شده‌اند که از بین بردن نطفه بعد از استقرار آن در رحم و هم چنین سقط جنین در هیچ یک از مراحل بعدی جایز نیست (۹۲-۹۰) و رضایت پدر و مادر پیش از نفخ روح انسانی و صدق انسان‌شدن باعث جواز آن نمی‌شود (۹۳). سقط جنین حرام است (۹۳)، هرچند بر اثر زنا باشد و درخواست پدر باعث جواز آن نمی‌شود و در صورتی که مادر مباشر در سقط جنین باشد (۹۴) و یا مساعدت در آن ندارد،

اما در مقدار دیه جنین در فرض سؤال تردید وجود دارد و احوط این است که مصالحه شود و این دیه در حکم ارث کسی است که وارث ندارد. اگر زن شک داشته باشد که باردار است یا خیر و ریشه شک هم آشکارشدن نشانه‌هایی باشد که غالباً نشان‌دهنده بارداری است، مثل عقب‌افتادن خون حیض از موعد مقرر برای صاحب عادت و قتیبه یا غیر آن از چیزهایی که غالباً در ماه اول بارداری برای زن آشکار می‌شود، در این صورت ظاهراً زن حق ندارد از ابزار یا داروهایی که موجب سقط جنین است، استفاده نماید، ولی اگر شک زن از این جهت نباشد، بلکه مجرد احتمال باشد، بعید نیست که استفاده از ابزارها و داروهای سقط جنین جایز باشد (۹۷)، یعنی اگر یقین به حمل نداشته باشد، مانع ندارد (۹۰).

با توجه به بیان فقها، روایات و علت مذکور در نصوص، تعیین مقادیر متفاوت دیه در مراحل مختلف رشد جنین پس از استقرار در رحم (این علت چنانکه گفتیم: عبارت است از قرارگرفتن نطفه در گذرگاه وجود انسانی. و به جهت قرارگرفتن نطفه در گذرگاه به سوی انسان است که موضوع احکام خاص قرار گرفته است (۹۶). در مورد جنین‌های آزمایشگاهی بیان فقها متفاوت است: ۱- عده‌ای از فقها معتقدند که دورریختن این جنین‌ها قبل از دمیده‌شدن روح جایز است، چراکه دلیلی بر حرمت آن وجود ندارد (۹۳) و شاید دلیل این دسته از فقها این باشد که این جنین‌های آزمایشگاهی تا زمانی که در رحم قرار نگیرند، امکان رشد و نمو و تبدیل‌شدن به انسان کامل را ندارند و به همین جهت اذن دورریختنشان وجود دارد؛ ۲- برخی به شرط این‌که ابتدای تشکیل جنین‌ها باشد، معتقدند که این جنین‌ها حکم جنین طبیعی را ندارند و رهاکردن و از بین بردن آن‌ها موجب دیه نخواهد شد (۹۴)؛ ۳- برخی از فقها دورانداختن نطفه رشدیافته در لوله آزمایشگاه را تا قبل از ولوج روح، یعنی مادام که به صورت انسان زنده‌ای در نیامده (طفل کامل صاحب روح)، جایز می‌دانند و معتقدند که حفظ آن دلیلی ندارد (۹۷) و این نظر عملاً با نظر دسته اول یکی است و به نظر می‌آید همگی حول همان محور که در ابتدای بحث بیان شد، یعنی امکان رشد و نمو و تبدیل به انسان‌شدن، اتفاق نظر دارند.

بنابراین می‌توان گفت در فقه امامیه درباره این‌که آیا می‌توان از جنین‌های تولیدشده از راه لقاح غیر طبیعی، سلب حیات نمود، دو دیدگاه متفاوت وجود دارد:

- نظریه عدم جواز: از نظر برخی از فقهای امامیه، سلب حیات از جنین‌های آزمایشگاهی از لحظه لقاح بین اسپرم و تخمک در لوله آزمایشگاه، در حکم سقط جنین بوده و مستلزم پرداخت دیه است (۹۸). از این منظر، حیات یک ارگانیسم انسانی، در هر مرحله‌ای که از مراحل تکوینی باشد، دارای ارزش ذاتی است، هرچند این ارگانیسم، تکامل نیافته باشد، زیرا آغازی است برای انسان‌شدن (۹۹) در حقیقت، نقض مبدأ آفرینش انسان، عنوانی است که بر از بین‌بردن جنین‌های تشکیل‌شده در خارج از رحم نیز صدق می‌کند، چراکه این جنین‌ها از همان قابلیت برخورداری هستند که جنین‌های تشکیل‌شده در داخل رحم، از آن برخوردارند. از این رو این موجود دارای کرامت ذاتی است و هر اقدامی که از رشد و رسیدن آن به مرحله انسان کامل جلوگیری کند، جایز نیست.

بر اساس نگرش فوق، ملاک در حرمت اتلاف جنین‌های آزمایشگاهی، قابلیت و شأنیت انسان‌شدن آن چیزی است که اگر شرایط برای تکاملش (رشد و نمو) فراهم شود، می‌تواند تبدیل به انسان شود، لذا موجود انسانی از همان لحظه‌ای که ایجاد شده، باید محترم دانسته شود و همه حقوق انسانی‌اش از جمله حق حیاتش رعایت شود (۱۰۰). غرض آنکه اتلاف جنین‌های انسانی تشکیل‌شده در محیط آزمایشگاهی، از آن جهت که سبب جلوگیری از به فعلیت رسیدن انسانی است که قابلیت انسان‌شدن را دارد، کاری است حرام. همچنین از آنجا که نطفه منشأ تکون انسان است و بی‌مبالاتی در حفظ آن جایز نیست، رعایت احتیاط و دوری‌کردن از موارد مشکوک الحرمه در این مورد جاری است. بنابراین باید اصاله الاحتیاط را اجرا کرد و به عدم جواز حکم کرد (۱۰۱). آیت‌الله صافی گلپایگانی در این زمینه می‌فرماید: «تا نطفه در رحم مستقر نشده، جواز اتلاف و دورافکندن آن مورد اشکال است و احتیاط به حفظ آن تا رشد کامل ترک نشود. بلی وجوب محافظت از آن هم محل تأمل است» (۱۰۲).

- نظریه جواز: از دیدگاه مشهور فقهای امامیه، جنینی که هنوز در مرحله اولیه وجود قرار دارد و به رحم مادر انتقال نیافته، هیچ یک از احکام شرعی، از قبیل وجوب حفظ و حرمت تضییع، بر آن مترتب نمی‌شود و سلب حیات از آن، اشکالی ندارد، زیرا ادله ناظر به حرمت اتلاف جنین و لزوم پرداخت دیه، ناظر به مرحله پس از استقرار و لانه‌گزینی آن در رحم است (۶۴، ۷۴، ۱۰۳). برخی از فقهای شیعه تصریح می‌کنند: «جنین‌های حاصل از لقاح در محیط آزمایشگاهی را می‌توان از بین برد، زیرا از بین‌بردن جنین وقتی حرام است که در رحم باشد، ولی در خارج رحم دلیلی بر حرمتش نیست» (۱۰۴). از نظر مشهور فقهای شیعه جنین برمی‌آید که تکون انسان از زمان استقرار نطفه در رحم آغاز می‌شود و از همان آغاز به وجودآمدن نطفه و استقرار آن در رحم، احکام ویژه‌ای بر آن مترتب می‌شود. تمایزی که شرایط پیش از لانه‌گزینی جنین در رحم با پس از آن دارد، در این است که جنین تا پیش از لانه‌گزینی قابلیت به فعلیت رسیدن را ندارد، اما پس از آن، از این قابلیت برخوردار می‌شود. از این رو جنین‌های آزمایشگاهی تا زمانی که شرایط تبدیل این توانایی را به فعلیت نداشته باشند، تفاوتی با دیگر بافت‌های بدن که واجد چنین توانی نیستند، ندارند. در این نگرش، استقرار در رحم، شرط برخورداری جنین‌های آزمایشگاهی از حق حیات است، زیرا نطفه حاصل از لقاح اسپرم و تخمک اگر در رحم مستقر شود، قابلیت عبور از مراحل تکاملی مختلف جنینی را دارد. بنابراین رعایت شأنی ویژه برای جنین‌های آزمایشگاهی پیش از کشت در رحم، بالاتر از آنچه برای دیگر بافت‌های بدن مراعات می‌شود، ضرورت ندارد (۱۰۵). بر همین اساس است که عموماً فقها در ارزیابی آسیب‌های واردشده به جنین، مرحله نطفه مستقر در رحم را به عنوان اولین مرحله زندگی جنینی در نظر می‌گیرند که از این لحظه به بعد رعایت حقوق جنین الزامی می‌شود: «فی النطفة اذا استقرت فی الرحم و استعدت للنشوء عشرون دیناراً؛ دیه نطفه‌ای که در رحم استقرار یافته و آماده رشد و تکامل شده، ۲۰ دینار است» (۴۸).

دیه نطفه داخل رحم، یعنی ۲۰ مثقال طلاست، حکم موجهی خواهد بود.

نتیجه‌گیری

با توجه به پیشرفت‌های علمی که امکان رشد و پرورش نطفه در محیط‌های غیر طبیعی و در شرایط خاص را فراهم آورده است و نظر به این‌که قرآن مجید و متون فقهی نیز نخستین مرحله آفرینش انسان را نطفه (زیگوت) میدانند و معلوم می‌شود که حق حیات آدمی از آغاز تشکیل زیگوت به وجود می‌آید. از این رو اگرچه از بین‌بردن جنین آزمایشگاهی، پیش از قرارگرفتن در رحم طبیعی و یا مصنوعی، جایز است، اما چنانچه اثبات شود با پیشرفت علم و تکنولوژی، امکان رشد و نمو آن در خارج از رحم طبیعی و در محیط آزمایشگاهی وجود دارد، می‌توان قائل شد که از بین‌بردن آن جایز نبوده و مستلزم پرداخت کیفر مالی دیه است.

نکته مهم آن است که دیه برای از بین‌بردن جنینی تعیین شده که در رحم زن استقرار یافته و این به خوبی نشان می‌دهد که جنین‌های خارج رحمی که در محیط آزمایشگاهی تولید شده‌اند، فاقد شأنیت انسانی بوده، از بین‌بردن آن‌ها حرام نخواهد بود (۱۰۵).

۴- نظریه برگزیده

با تأمل درخور می‌توان دریافت که حفظ حرمت نطفه ترکیب شده (زیگوت) به عنوان یک انسان بالقوه قابل توجه است، چنانکه برخی از احادیث منقول از ائمه معصومین (ع) درباره حرمت اسقاط جنین این احتمال را تقویت می‌کند، چنانکه روایت صحیح ابوعبیده و موثق اسحاق بن عمار با دلالت اطلاقی، مثبت این مدعاست در روایت موثق اسحاق بن عمار نص امام (ع) این است: «ان اول ما یخلق نطفه» پس، حرمت این کار از زبان امام (ع) بر محور «آغاز آفرینش انسان» دور می‌زند، لذا شایسته نیست که از نطفه آدمی و جنین آزمایشگاهی برای انجام آزمایش‌های پزشکی استفاده نمود و در واقع جنین‌های آزمایشگاهی، همچون جنین حاصل از تلقیح طبیعی دارای احترام بوده و ابتدای پیدایش و تکامل در داخل رحم خصوصیتی ندارد. در هر صورت باید حرمت جنین آزمایشگاهی را حفظ نموده، تنها در مسیر ازدیاد نسل از آن استفاده نمود.

همچنین از دلایل معتبر می‌توان استنباط نمود که فقه اسلامی نیز به طور ضمنی حیات انسان را از زمان تشکیل نطفه پذیرفته است و به دلیل به کاربرده شدن لفظ مطلق جنین در کلام فقها، این‌گونه برداشت می‌شود که مقادیر معین دیه نه تنها شامل جنین داخل رحم می‌باشد، بلکه قابل تسری به جنین شکل‌گرفته از طریق لقاح مصنوعی در صورتی که امکان رشد و نمو داشته باشد، نیز هست. در نتیجه پیداست که جنین آزمایشگاهی نیز به دلیل داشتن ذات و طبیعت انسانی، یک انسان به حساب آمده و در صورتی که با پیشرفت علم پزشکی قادر به حفظ و رشد آن در رحم مصنوعی باشیم، نباید آن را از بین برد، پس حکم به این‌که دیه جنین آزمایشگاهی در صورت داشتن قابلیت رشد و نمو، همان میزان

References

- Mostafawi H. A Study on Holy Quran Vocabulary. 1st ed. Tehran: Ministry of Culture and Islamic Guidance; 1989. Vol.1 p.425. [Arabic]
- Parivar K. Embryology. Tehran: Mobtakeran Publishing; 2000. p.177. [Persian]
- Agah H. The Right to Life and Existing Challenges. *Journal of Quranic Studies* 1994; 2(4): 35-36. [Persian]
- Mesbah Yazdi MT. Quran Educations. 2nd ed. Qom: Qom Seminary Teachers Association, Publications Office; 1992. p.305. [Persian]
- Shahriari H. Giving Gamet from Islamic Perspective. *Payesh Quarterly* 2007; 4(6): 385-395. [Persian]
- Isfahani MH. Footnotes to the Book of Achievements [Persian]. 3rd ed. Qom: Abbas Mohammad al-Saba' Qatifi; 1999. Vol.3 p.174.
- Najafi MH. Jewels of Speech in Clarifying the Legislations of Islam. 1st ed. Beirut: Arab Heritag Revival House; No Date. Vol.43 p.112, 195. [Arabic]
- Majlisi MB. Bihar al-Anwar. 3rd ed. Beirut: Arab Heritage Revival House; 1983. Vol.58 p.19. [Arabic]
- Ansari M. Book of Purity. 2nd ed. Qom: Published by World Congress in Honor of Sheikh Azam; 1995. Vol.2 p.318. [Arabic]
- Taqavi N, Asadi Nejad M, Amani Samani R. Investigating the Nature of Frozen Embryos from Jurisprudential, Ethical and Legal Points of View. *Medical Jurisprudence Quarterly* 2017; 8(26): 135-166. [Persian]
- Majlisi MB. Bihar al-Anwar. 3rd ed. Beirut: Arab Heritage Revival House; 1983. Vol.10 p.477; Vol.57 p.344-346. [Arabic]
- Izadpanah A. The Head of Ahl Bayt Jurisprudence Article. *Journal of Jurisprudence of Ahl al-Bayt* 1991; 1(1): 1-3. [Persian]
- Toosi M. Refinement of Laws (Concrete Study). 4th ed. Tehran: Islamic Book House; 1980. Vol.10 p.285. [Arabic]
- Majlisi MB. The Mirror of Minds Describing News about Ahl al-Bayt (as). 2nd ed. Tehran: Islamic Library; 1984. Vol.21 p.23-26. [Arabic]
- Kolayni AJM. Satisfactory. 4th ed. Tehran: Islamic Library; 1987. Vol.7 p.342. [Arabic]
- Majlisi MB. The Latest Choice in Understanding Refinement of the Narratives 1st ed. Qom: Ayatollah Mar'ashi Najafi Library; 1986. Vol.16 p.609. [Arabic]
- Borujerdi AH. Resources of Shia Jurisprudence (Complete Translation of Shia Hadiths). 1st ed. Tehran: Farhang e Sabz Publishing; 2008. Vol.31 p.657. [Persian]
- Karimzadeh MA, Ahmadi GH-A. Laboratory Fertility Principles. 1st ed. Yazd: Yazd Publishing; 1991. p.154. [Persian]
- Shiravi M. The Necessity of Preserving the Biological Dignity of the Laboratory Fetus in Terms of Biological Ethics Documents. *Journal of Medical Ethics* 2010; 4(11): 135-166. [Persian]
- Tarihi F. Congregation of Two Seas. 3rd ed. Tehran: Mortazavi Publishing; 1996. Vol.5 p.125; Vol.6 p.226. [Arabic]
- Homeyri N. The Brightest of the Sciences and Arabic Word Remedy for Injuries. 1st ed. Beirut: Contemporary Thinking Room; 1999. Vol.2 p.948. [Arabic]
- Ibn Manzour M. Arab Tongue. 3rd ed. Beirut: Thinking Room for Printing, Publishing and Distribution, Room of Exports; 1994. Vol.6 p.21. [Arabic]
- Saheb ibn Ebad E. An Ocean in Language. 1st ed. Beirut: Alem al-Ketab; 1994. Vol.6 p.409. [Arabic]
- Azodi A. The Book of Water. 1st ed. Tehran: Institute of Medical History, Islamic Medicine and Complementary Studies, Iran Medical University; 2009. Vol.1 p.273. [Arabic]
- Fayoumi A. Brilliant Light in the Darkness of the Great Description of Rafe'ei. 2nd ed. Qom: Daar al-Hejrat Institute; 1994. Vol.2 p.111, 611. [Arabic]
- Jazri ISM. The End of Strange Hadith and Work. 1st ed. Qom: Ismailian Press Institute; 2003. Vol.1 p.307. [Arabic]
- Sa'alebi A. Jurisprudence of Language. 1st ed. Beirut: Scientific Books House; 1994. p.124. [Arabic]
- Ragheb Esfahani H. Vocabulary of Quran Statements. 1st ed. Tehran: Dar al-Elm; 1992. Vol.3 p.611. [Arabic]
- Hoseini Zobeydi MM. Bridal Crown from Dictionary Jewelry. 1st ed. Beirut: Dar al-Fekr; 1994. Vol.18 p.120. [Arabic]
- Qorashi SAA. Encyclopedia of Quran. 6th ed. Tehran: Islamic Library; 1992. Vol.2 p.61. [Arabic]
- Tabibian SH. Larus Dictionary. 8th ed. Tehran: Amir Kabir Publishing; 1997. Vol.1 p.772. [Persian]

32. Jowhari E. The Crown of the Language and Correct Arabic. 1st ed. Beirut: House of Knowledge for Millions; 1990. Vol.5 p.2094. [Arabic]
33. Ahmad ibn Fares ibn Zakarya H. A Dictionary of Language Standards. 1st ed. Qom: Qom Seminary Islamic Propaganda Office Publication; 1984. Vol.1 p.421; Vol.5 p.440. [Arabic]
34. Ragheb Esfahani H. Vocabulary of Quran Statements. 1st ed. Tehran: Dar al-Elm; 1992. Vol.2 p.241. [Arabic]
35. Ibn Fahd Helli A. Repetition of Pray and Success of Trainer. 1st ed. Tehran: Daar al-Ketab al-Islami; 1984. p.28. [Arabic]
36. Sheykh Mufid M. Converted. 1st ed. Qom: Sheikh Mofid Millenary World Congress; 1993. p.763. [Arabic]
37. Qomi Mashhadi M. Interpretation of the Treasure of the Time and the Strange Sea. 1st ed. Tehran: Ministry of Culture and Islamic Guidance, Printing and Publishing Organization; 1989. Vol.9 p.169-170. [Arabic]
38. Al-Aroosi al-Hoveyzi AA. Noor al-Saqalayn Interpretation. 4th ed. Qom: Esmailian Publishing; 1995. Vol.3 p.535-536. [Arabic]
39. Majlisi MB. The Mirror of Minds Describing News about Ahl al-Bayt (as). 2nd ed. Tehran: Islamic Library; 1984. Vol.24 p.153, 155. [Arabic]
40. Toosi M. Fore-Sighting what may differ in Coming Statements. 1st ed. Tehran: Islamic Book House; 1980. Vol.4 p.299. [Arabic]
41. Farahidi KH. The Book of Eyes. 2nd ed. Qom: Hijrat Publishing; 1989. Vol.2 p.436. [Arabic]
42. Bostani FA. Abjadi Dictionary. 2nd ed. Tehran: Islamic Publishing; 1998. p.919. [Persian]
43. Razi AH. Heaven Aloud and the Spirit of Heaven in Quran Interpretation. Mashhad: Astan Quds Razavi Islamic Research Foundation; 1988. Vol.4 p.10-11. [Arabic]
44. Tabarsi F. Interpretation of Thorough Academics. 1st ed. Tehran: Tehran University Publishing; Qom: Qom Seminary Administration; 1998. Vol.4 p.408. [Arabic]
45. Tabatabaei SMH. Tafsir al-Mizan. Qom: Islamic Publications Office of Qom Seminary Teachers Association; 1997. Vol.20 p.121. [Arabic]
46. Ibn Edris M. Lair Containing the Issue of Fatwa (and Extremes). 2nd ed. Qom: Islamic Publications Office Affiliated with Qom Seminary Teachers Association; 1990. Vol.2 p.607; Vol.3 p.416. [Arabic]
47. Maghrebi N. The Principles of Islam and Reminding Legal and Illegal and Issues and Rules. 2nd ed. Qom: Aal al-Bayt (as) Institute; 1966. Vol.2 p.420. [Arabic]
48. Ameli Z. The Brilliant Garden Explaining the Damascus Light (T-Modern). 1st ed. Qom: Davari Bookstore; 1990. p.289. [Arabic]
49. Zolmajdein Z. Translation and Description on Tabsarah Allamah. Tehran: Tehran University Publication; 1911. Vol.2 p.671-672. [Persian]
50. Toosi AJM. The Ultimate Solely in Jurisprudence and Fatwas. 2nd ed. Beirut: Dar al-Ketab al-Arabi; 1980. p.774. [Arabic]
51. Toosi AJM. Disagreement. 1st ed. Qom: Islamic Publications Office Affiliated with the Qom Seminary Teachers Association; 1987. p.293. [Arabic]
52. Helli Y. Class of Religion. 1st ed. Qom: Sayed al-Shuhada Scientific Foundation; 1985. p.603. [Arabic]
53. Fazel Abi H. Uncovering the Mysteries in a Brief and Profitable Description. 3rd ed. Qom: Islamic Publications Office Affiliated with the Qom Seminary Teachers Association; 1997. Vol.2 p.677. [Arabic]
54. Halabi AST. Adequate jurisprudence. 1st ed. Isfahan: Imam Amir Al-Mo'menin Public Library; 1983. p.392. [Arabic]
55. Terablosi H, Qazi AZ. Refined (of Ibn Barraji). 1st ed. Qom: Islamic Publications Office Affiliated to the Qom Seminary Teachers Association; 1986. p.511. [Arabic]
56. Halabi A. Rich Propensity to Scientific Basics and Branches. 1st ed. Qom: Imam Sadeq Institute; 1997. p.415. [Arabic]
57. Mohaqeq Helli NJ. Islamic Legislations in Legal and Illegal Issues. Qom: Esmailian Institute; 1996. Vol.4 p.265. [Arabic]
58. Allameh Helli H. Guiding Minds to the rules of Faith. 1st ed. Qom: Islamic Publications Office Affiliated with the Qom Seminary Teachers Association; 1990. Vol.2 p.5. [Arabic]
59. Allameh Helli H. The Rules of Provisions in Recognizing Religious Legal and Illegal Issues. 1st ed. Qom: Islamic Publications Office Affiliated with the Qom Seminary Teachers Association; 1993. Vol.2 p.696. [Arabic]

60. Mohaqeq Helli NJ. Ultimate Details. 1st ed. Qom: Islamic Publications Office Affiliated with the Qom Seminary Teachers Association; 1992. Vol.1 p.463. [Arabic]
61. Sabzrvari SA. Polite Rules. 4th ed. Qom: Al-Menar Institute, Ayatullah's Office; 1993. p.319. [Arabic]
62. Fazel Abi H. Uncovering the Mysteries in a Brief and Profitable Description. 3rd ed. Qom: Islamic Publications Office Affiliated with the Qom Seminary Teachers Association; 1997. Vol.1 p.617. [Arabic]
63. Shobeyri Zanjani SM. The Book of Marriage. 6th ed. Qom: Ray Pardaz Research Institute; 1999. Vol.4 p.1337. [Arabic]
64. Allameh Helli H. Diversities in Shiite about Religious Provisions. 2nd ed. Qom: Islamic Publications Office Affiliated with the Qom Seminary Teachers Association; 1993. p.426-427. [Arabic]
65. Helli JA. Exclusives of Brief Explanations. 1st ed. Mashhad: Islamic Research Academy; 1990. p.227. [Arabic]
66. Seymari M. The Ultimate Favor in Description of Islamic Laws. 1st ed. Beirut: Dar al-Hadi; 2001. p.15. [Arabic]
67. Ameli Karaki (Mohaqeq Sani) A. Thorough Goals in Describing Rules. 2nd ed. Qom: Aal al-Bayt (as) Institute; 1994. Vol.12 p.505-506. [Arabic]
68. Ameli Z. Paths of Understanding for Reconsideration of Islamic Law. 1st ed. Qom: Islamic Knowledge Institute; 1993. Vol.7 p.64-65. [Arabic]
69. Mousavi Ameli M. The Ultimate Goal of a Brief Description of the Laws of Islam. 1st ed. Qom: Islamic Publications Office Affiliated with the Qom Seminary Teachers Association; 1991. Vol.1 p.58-59. [Arabic]
70. Feyz Kashani MM. Keys to Religious Issues. 1st ed. Qom: Ayatollah Mar'ashi Najafi Library; No Date. Vol.2 p.155. [Arabic]
71. Bohrani Y. Fresh Gardens of Ahlulbayt's Rules. 1st ed. Qom: Islamic Publications Office Affiliated with Qom Seminary Teachers Association; 1985. p.86-89. [Arabic]
72. Tabatabaei Ha'eri SA. Gardens of Issues (T-Old). 1st ed. Qom: Aal al-Bayt (as) Institute; No Date. p.561-562. [Arabic]
73. Naraqi MA. Shia documents in Religious Rules. 1st ed. Qom: Aal al-Bayt (as) Institute; 1995. p.74-77. [Arabic]
74. Najafi MH. Jewels of Speech in Clarifying the Legislations of Islam. 7th ed. Beirut: Arab Heritag Revival House; No Date. Vol.29 p.111, 115. [Arabic]
75. Ansari Dezfuli M. The Book of Marriage. 1st ed. Qom: World Congress in Honor of Sheikh Azam Ansari; 1995. p.71-73. [Arabic]
76. Khomeini SR. The Treatise Explaining the Practical Law. 8th ed. Qom: Islamic Publications Office affiliated with Qom Seminary Teachers Association; 2003. Vol.2 p.930. [Persian]
77. Khomeini SR. Referendums. 5th ed. Qom: Islamic Publications Office Affiliated with Qom Seminary Teachers Association; 2001. Vol.3 p.283. [Persian]
78. Makarem Shirazi N. The Book of Marriage. 1st Ed. Qom: Imam Ali Ibn Abi Talib School Publications; 2005. p.143. [Arabic]
79. Horr Ameli M. Detailing the Means of Shia to Achieve Religious Issues. 1st ed. Qom: Aal al-Bayt (as) Institute, 33rd Chapter in Terms of Menstruation; 1989. Vol.1 p.338. [Arabic]
80. Feyz Kashani MM. Satisfactory. 1st ed. Isfahan: Imam Amir al-Mumenin (as) Library; 1986. [Arabic]
81. Horr Ameli M. Guiding the Nation to Imams' Rules: Selected Issues. 1st ed. Mashhad: Islamic Research Academy; 1982. Vol.1 p.207. [Arabic]
82. Asadi Helli H. The Ultimate Requirement in Studying the Religion. 1st ed. Mashad: Islamic Research Academy; 1992. p.401. [Arabic]
83. Ansari Shirazi Q. Encyclopedia of Children's Rules and Guidance. 1st ed. Qom: The Jurisprudential Center of the pure Imams (as); 2008. p.136. [Arabic]
84. Ameli BM. East of Two Suns and the Essence of Two Blessings along with Khajooei's Comments. 2nd ed. Mashhad: Islamic Research Academy; 1994. p.274. [Arabic]
85. Group of Authors. Ahl al-Bayt (as) Jurisprudence Magazine. 1st ed. Qom: Institute of the Encyclopedia of Islamic Jurisprudence on the Religion of the Ahl al-Bayt (as); No Date. Vol.1 p.69. [Persian]
86. Mohseni Qandehari MA. Jurisprudence and Medical Issues. 1st ed. Qom: Qom Seminary Islamic Propaganda Office Publications; 2005. Vol.1 p.59. [Persian]
87. Momen Qomi M. Correct Words. Qom: Islamic Publications Office Affiliated with the Qom Seminary Teachers Association; No Date. p.148.
88. Group of Authors. Ahl al-Bayt (as) Jurisprudence Magazine. 1st ed. Qom: Institute of the Encyclopedia

of Islamic Jurisprudence on the Religion of the Ahl al-Bayt (as); No Date. Vol.9 p.132. [Persian]

89. Noori H. Obscure means and inferred issues. 1st ed. Qom: Aal al-Bayt (as) Institute; 1988. Vol.18 p.218.

90. Khomeini SR. Referendums. 5th ed. Qom: Islamic Publications Office Affiliated with Qom Seminary Teachers Association; 2001. Vol.1 p.284. [Persian]

91. Khomeini SR. The Treatise Explaining the Practical Law. 8th ed. Qom: Islamic Publications Office Affiliated with Qom Seminary Teachers Association; 2003. Vol.2 p.945. [Persian]

92. Hosseini Khamenei SA. Polls Answers. 1st ed. Qom: Leadership Office; 1974. p.279, 1263. [Persian]

93. Montazeri Najaf Abadi HA. A treatise on Referendums. 1st ed. Qom: Islamic Publications Office Affiliated with the Qom Seminary Teachers Association; No Date. Vol.1 p.205, 718. [Persian]

94. Fazel Movahedi Lankarani M. Provisions of Physicians and Patients (Fazel). Qom: Islamic Publications Office Affiliated with the Qom Seminary Teachers Association; No Date. p.110. [Persian].

95. Fayaz Kaboli ME. Treatise Explaining Practical Issues. 1st ed. Qom: Majlesi Publishing; 2007. p.744. [Persian]

96. Jafari Tabrizi MT. Human Right of Dignity. Journal of the Faculty of Law and Political Science 1992; 3(8): 250-266. [Persian]

97. Makarem Shirazi N. Family Principles in the light of Islamic Jurisprudence. 2nd ed. Qom: Imam Ali ibn Abi Taleb Publishing; 2011. p.309. [Persian]

98. Janati MI. The Treatise Explaining the Practical Law, Referendums. 1st ed. Qom: Ansarian Publishing; 2004. Vol.2 p.238. [Persian]

99. Jawaheri H. Embryonic Division and Simulation. *New Exploration in Islamic Jurisprudence Magazine* 2007; 4(47): 32-47. [Persian]

100. Ahmadi AA. A Study of Social Aspects of Simulation and Stem Cells Research. Tehran: Research Institute of Culture, Arts and Communications; 2008. p.112. [Persian]

101. Hosseini Rohani SMS. Innovated Issues. Qom: Book House; 1994. p.10. [Arabic]

102. Safi Golpayegani L. Innovated Issues. Qom: Islamic Knowledge Institute; 2012. p.64-65. [Persian]

103. Fazel Hendi M. Unveiling the nagueness from the religious Rules. 1st ed. Qom: Islamic Publications

Office Affiliated with Qom Seminary Teachers Association; 1996. Vol.2 p.218.

104. Khoei SA. Religious Issues: Transaction Referendums. Qom: Imam Khoii Revival Institute; 2000. Vol.2 p.319. [Arabic]

105. Javanmard Farkhani I. Investigating the Legitimacy of Destroying Laboratory Embryos in Islamic Jurisprudence. *Contemporary Jurisprudence Magazine* 2017; 4(7): 29-45. [Persian]